

حمایت شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل در شهر اردبیل

خدیجه سفیری (استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران)

m_safiri@yahoo.com

سوسن باستانی (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران)

sbastani@alzahra.ac.ir

لیلا قرانی دامداباجا (کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا، تهران، ایران، نویسنده مسؤل)

lghorani@yahoo.com

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر حمایت شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و قوت پیوند (صمیمیت) بر رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل می‌پردازد. برای بررسی این رابطه، از مدل تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی و نظریه منابع اجتماعی استفاده شده است. این مطالعه با روش پیمایش و با استفاده از پرسش‌نامه انجام گرفته است. جامعه آماری را زنان متأهل شاغل (۵۵-۲۰) شهر اردبیل در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌دهند. حجم نمونه ۳۵۶ نفر است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. ضریب آلفای ۰,۶۹ برای متغیر رضایت از اوقات فراغت و ۰,۷۳ برای متغیر حمایت اجتماعی نشان‌دهنده پایایی مناسب برای این ابزارها بوده و این متغیرها از اعتبار صوری (نظر اساتید) برخوردار هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان رضایت زنان از اوقات فراغشان نزدیک به حد متوسط، میزان قوت پیوند در حد متوسط و میزان حمایت دریافتی پایین‌تر از حد متوسط است. در ارتباط با انواع شبکه‌ها، خویشاوند و دوست، بیشترین میزان و همسایگی، کمترین میزان حمایت را داشته‌اند. علاوه بر آن، در میان انواع حمایت‌ها، حمایت اطلاعاتی بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته داشته است. نتایج رگرسیون نیز نشان می‌دهد که متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، قوت پیوند و حمایت اجتماعی متغیرهای تأثیرگذار بر رضایت شغلی زنان متأهل شاغل می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، حمایت اجتماعی، رضایت از اوقات

فراغت.

۱. مقدمه

امروزه در همه جوامع، اکثر افراد اعم از زن یا مرد، کودک یا بزرگسال، بعد از فراغت از کار روزانه و فعالیت دائمی و اجباری خود به فعالیتی تفریح گونه می پردازند. در حقیقت، اوقات فراغت زمانی است که در آن افراد اولاً به دلخواه فعالیت هایی را انتخاب می کنند که حالت تفریح و استراحت داشته و ثانیاً، از انجام آن، لذت و شادی نصیبشان می شود. در این حالت، افراد به آرامش روحی، برطرف کردن خستگی ناشی از کار و احتمالاً رشد و کمال شخصیت خویش می رسند. این فعالیت ها در جوامع متفاوت است و به تبع آن در افراد نیز متفاوت خواهد بود (منادی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۲). پدیده فراغت در جوامع انسانی به ویژه جوامع مدرن، عملی سازمان یافته و یکی از شاخص های کیفیت زندگی و بهزیستی می باشد (فرهودی، حبیبی، حاتمی نژاد، جعفری مهرآبادی و سالاروندیان، ۱۳۹۰، ص. ۸۷). از نظر فکوهی، مهم ترین کارکرد تفریح، کمک به بازتولید زندگی در ابعاد سالم و غیرآسیب شناختی آن است؛ به عبارت دیگر، اگر گروه های اجتماعی و یا افراد از تفریح و آنچه به صورت عام به آن سرگرمی گفته می شود، محروم شوند، این امر بی شک در کوتاه مدت و درازمدت زندگی آنها را به ضرورت به سوی آسیب زدگی؛ یعنی بیمارگونگی می کشاند. این بیماری ها می توانند از اختلالات عصبی ساده و جزئی تا بیماری های روانی و روان- کالبدی سخت در طیفی بسیار متنوع قرار بگیرند و از سطح فرد به سطح جامعه منتقل شده و خود را در قالب تنش ها، هیجان ها و آسیب های کمابیش سخت اجتماعی نیز بروز دهند (فکوهی، ۱۳۹۲). اوقات فراغت و موضوعات در ارتباط با آن، یکی از مهم ترین مباحث روز دنیاست (حسینی، رحیمی، آجرلو، مجیدی و روزبهرانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸). در این میان، فراغت زنان به دلیل حساسیت هایی که در زندگی اجتماعی آنها و جوامع وجود دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است (فرهودی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۸۷). موضوع رضایت از اوقات فراغت زنان نیز به دلیل تعابیر مختلفی که از امور زنان وجود دارد، نیازمند بررسی است. اهمیت این موضوع در ارتباط با زنان متأهل شاغل که اشتغال در بیرون از خانه از وظایف آنها در خانه کم نکرده است، پررنگ تر هم

می‌شود؛ زیرا عدم رضایت از اوقات فراغت، باعث کاهش بهره‌وری سازمانی می‌شود که آن‌ها در آن مشغول به کار هستند.

عوامل بسیاری بر نوع انتخاب افراد در چگونگی صرف وقت هنگام فراغت و نیز رضایت از اوقات فراغت آن‌ها تأثیرگذار است: دسته اول به عوامل فردی ارتباط دارند. دسته دوم به محیط و شرایطی مرتبط است که فرد در آن‌ها قرار دارد؛ به عنوان مثال، بافت اجتماعی که فرد جزئی از آن است، تحصیلات و عوامل فرهنگی. دسته سوم به موقعیت‌ها و خدماتی اشاره دارد که در اختیار افراد قرار دارند؛ از جمله منابع (حمایت‌ها) و تسهیلات (ابراهیمی و مسلمی - پطرودی، ۱۳۹۰، ص. ۷۴؛ کنگ، ۲۰۱۰). به نظر می‌رسد بررسی ارتباط منطقی میان موضوع زنان، رضایت از اوقات فراغت و منابعی که درون شبکه‌های افراد موجود است. از عمده اهدافی باشد که محققان، جامعه‌شناسان و مسئولان باید به آن توجه داشته باشند.

۱.۱. پرسش‌های تحقیق

به این ترتیب با توجه به اهمیت این موضوع از یک سو و از سوی دیگر، کمبود تحقیقات موجود در این زمینه، به‌خصوص در رابطه با زنان شهر اردبیل، مطالعه حاضر در تلاش برای پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی زیر می‌باشد:

- ۱) رضایت از اوقات فراغت در بین زنان مورد مطالعه به چه میزان است؟
- ۲) حمایت شبکه‌های غیررسمی زنان مورد مطالعه در شهر اردبیل چگونه است؟
- ۳) میزان حمایت شبکه‌های غیررسمی زنان متأهل شاغل چه تأثیری بر میزان رضایت آن‌ها از اوقات فراغت دارد؟
- ۴) کدام یک از انواع حمایت‌ها بیشترین تأثیر را بر میزان رضایت از اوقات فراغت زنان دارند؟

۲.۱. پیشینه تحقیق

در این قسمت به منظور استفاده از تجربیات محققانی که در حوزه رضایت از اوقات فراغت و حمایت اجتماعی، به مطالعه پرداخته‌اند، پیشینه‌های تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ابراهیمی و مسلمی پطروودی (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر اوقات فراغت زنان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی پایین‌تر از حد متوسط بوده و میانگین مشارکت آن‌ها در اوقات فراغت فعال بیشتر از مشارکت در فراغت غیرفعال می‌باشد. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که از میان سه بعد سرمایه فرهنگی، دو بعد سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و نهادینه‌شده، تأثیر معناداری بر اوقات فراغت دارد.

سفیری و مدیری (۱۳۹۰) به انجام فراتحلیلی در بین ۴۳ مقاله علمی پژوهشی و پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه‌های تهران پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در میان متغیرهای بررسی شده رابطه درآمد، داشتن فرزند، سن، طبقه، تحصیلات، جنسیت و تأهل به ترتیب اندازه اثر، به عنوان عوامل مؤثر بر میزان اوقات فراغت تأیید شده و رابطه اشتغال با آن رد شده است. در بیشتر تحقیقات انجام شده، متغیرهای زمینه‌ای به عنوان عوامل مؤثر بر اوقات فراغت مورد توجه قرار گرفته و عوامل مؤثر دیگر نادیده گرفته شده یا فراوانی آن به میزانی نبوده است که بتوان از آن در فراتحلیل استفاده کرد.

تندنویس (۱۳۸۰) به دنبال توصیف میزان، زمان و محل گذراندن اوقات فراغت و انواع فعالیت‌های فراغتی، مورد علاقه و فعالیت‌های روزانه، هفتگی و سالیانه، ارتباط بین رضایت از گذران اوقات فراغت با تعداد فرزندان، سطح تحصیلات و میزان پرداختن به فعالیت‌های بدنی در اوقات فراغت در بین زنان ایرانی بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان اوقات فراغت روزانه زنان ۳٫۸ ساعت می‌باشد. یک‌چهارم آن‌ها از نحوه گذران اوقات فراغت خود راضی هستند. بین میزان اوقات فراغت و مقدار ورزش هفتگی ارتباط معناداری مشاهده شد. تعداد فرزندان و سطح تحصیلات و مقدار پرداختن به ورزش، به‌طور معناداری رضایت از اوقات فراغت زنان را پیش‌بینی می‌کنند.

زیارتی (۱۳۵۵) در مطالعه خود به بررسی تأثیر شهر مسکونی تحصیل‌کردگان (لیسانس و بالاتر) در میزان رضایت آن‌ها از فعالیت‌های اوقات فراغت پرداخته است. برای این منظور عده‌ای از کارمندان تحصیل‌کرده شاغل در چهار کارخانه شهر اراک با تبریز مقایسه شده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که در هر دو شهر کارمندان از فعالیت‌های درون‌خانه که

احتیاج به سازمان‌های خاصی ندارد از قبیل مطالعه، شرکت در میهمانی‌ها، پیاده‌روی و غیره راضی بودند؛ ولی اظهار رضایت از فعالیت‌هایی که انجام آن‌ها مستلزم وجود مؤسسات و تسهیلات ویژه است به شهر محل اقامت بستگی داشت، در اراک بیشتر کارمندان از فقدان تسهیلات برای انجام فعالیت‌های فرهنگی از قبیل کنسرت، تئاتر ناخشنود بوده‌اند، در حالی که در تبریز فقط نبودن مؤسسات انجام فعالیت‌های فرهنگی برای بیش از نیمی از کارمندان موجب ناخشنودی بوده است.

کنگ (۲۰۰۹) در مطالعه خود به بررسی تأثیر حمایت اجتماعی ادراک‌شده بر روی رضایت از اوقات فراغت والدینی که دارای فرزند ناتوان (معلول) هستند، پرداخته است. نتایج نشان داده‌است: ۱) بین متغیر حمایت اجتماعی ادراک‌شده و متغیر رضایت از اوقات فراغت، رابطه مثبت وجود دارد. ۲) حمایت اجتماعی به طور معناداری بر جنبه‌های فیزیولوژیکی، روانی، محیطی، اجتماعی و آرامش‌بخش رضایت از اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد.

ساینت اونگ^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه خود به بررسی ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی بر روی فعالیت‌های فیزیکی در زمان اوقات فراغت پرداخته است. همچنین، وی بررسی کرده است که چگونه انواع حمایت و انواع فعالیت‌های خاص با پیامدهای افسردگی در آمریکا ارتباط دارند. در این پژوهش حمایت اجتماعی با گویه‌های تعداد دوستان، حمایت عاطفی، حمایت مالی، نیازداشتن به حمایت بیشتر و مقدار حمایت مورد نیاز مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای حمایت اجتماعی و فعالیت فیزیکی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، تعداد دوستان، حمایت عاطفی، حمایت مالی و مقدار حمایت مورد نیاز با فعالیت‌های فیزیکی دارای ارتباط معنادار می‌باشند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که از نظر حمایت اجتماعی و فعالیت فیزیکی در بین گروه‌ها با وضعیت افسردگی مختلف تفاوت معناداری وجود دارد. افراد افسرده‌تر به‌طور چشم‌گیری دوستان کمتر، میزان کمتری از حمایت مالی و میزان بیشتری از نیاز به حمایت بیشتر داشتند. گروه‌های افسرده همچنین، میزان کمتری از فعالیت‌های فیزیکی از خود نشان دادند.

الیوت و شوچوک^۱ (۱۹۹۵) به بررسی اثرات میانجی افسردگی بر روی ارتباط بین حمایت اجتماعی و فعالیت‌های فراغتی در بین مردان با ناتوانی‌های جسمانی پرداخته‌اند. تحلیل مسیر نشان می‌دهد که افسردگی و حمایت اجتماعی به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های فراغتی تأثیرگذار هستند. آن‌ها بیان کرده‌اند که حمایت اجتماعی در دنبال کردن و لذت بردن از فعالیت‌های اوقات فراغت نقش اساسی ایفا می‌کند.

با توجه به تحقیقات ذکر شده (و نیز مرور ادبیات تجربی)، تحقیقات زیادی در زمینه رضایت از اوقات فراغت و حمایت اجتماعی به‌طور جداگانه و در ارتباط با موضوعات یا مسائل دیگر (از قبیل متغیرهای زمینه‌ای) انجام گرفته؛ اما معدود مطالعاتی به بررسی رابطه این دو متغیر پرداخته است؛ به‌طوری که در داخل کشور (ایران) در این زمینه خلأ اطلاعاتی احساس می‌شود. در تحقیقاتی که به بررسی رابطه این دو متغیر پرداخته شده، حمایت اجتماعی، عامل مؤثری بر رضایت از اوقات فراغت افراد است. در بیشتر این تحقیقات، رضایت از اوقات فراغت، براساس شاخص ساخته‌شده توسط برید و راقب^۲ (۱۹۸۰) که دارای ۶ بعد است، سنجیده شده است، در حالی که در این مطالعه از دسته‌بندی تینسلی و الدریگ^۳ (۱۹۹۴) استفاده شده است و نیز این مطالعه قصد دارد تا مبحث حمایت اجتماعی را که شامل سه نوع حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی بوده و از سوی شبکه‌های غیررسمی (داخل سازمان: همکار و بیرون از سازمان: خانواده، دوست و غیره) دریافت می‌شود را در ارتباط با رضایت از اوقات فراغت زنان در شهر اردبیل مورد بررسی قرار دهد.

۲. مبانی نظری پژوهش

در این قسمت ابتدا مباحثی در زمینه رضایت از زندگی، رضایت از اوقات فراغت و حمایت اجتماعی ارائه می‌شود و سپس، با استفاده از ادبیات نظری، مدل تأثیر مستقیم و نظریه منابع اجتماعی به ذکر رابطه متغیرها پرداخته می‌شود.

1 Elliott & Shewchuk

2 Bread & Ragheb

3 Tinsley & Eldredge

۲. ۱. ساختار سلسله‌مراتبی: مفهوم بهزیستی ذهنی^۱

داینر، اسکن و لوکاس^۲ (۲۰۰۹) برای بهزیستی ذهنی، ابعادی قائل هستند که با عنوان ساختار سلسله‌مراتب مفهوم شناخته شده‌اند. بنا به اعتقاد آن‌ها این مفهوم دارای چهار بعد اصلی است که هر کدام از آن‌ها نیز با چهار بعد فرعی مشخص می‌شوند. یکی از این ابعاد اصلی، رضایت از ابعاد زندگی می‌باشد که ابعاد فرعی آن عبارت‌اند از: رضایت از زندگی زناشویی، رضایت شغلی، رضایت از وضعیت سلامتی و رضایت از اوقات فراغت.



شکل ۱- ساختار سلسله‌مراتبی: ابعاد بهزیستی ذهنی

محاسبه ابعاد رضایت، در واقع اطلاعات جزئی تری در مورد جنبه‌های خاص زندگی افراد ارائه می‌دهد. به اعتقاد داینر، محققان می‌توانند در کارهایشان بر روی هر کدام از این ابعاد به صورت جداگانه متمرکز شوند (داینر و دیگران، ۲۰۰۹، ص. ۷۱).

• رضایت از اوقات فراغت

در زمینه اوقات فراغت که جزو جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره در دنیای امروز است، تعاریف بسیاری ارائه شده است؛ به عنوان مثال، تorkildsen^۳ (۲۰۰۱) اوقات فراغت را مجموعه‌ای از اشتغالات می‌داند که افراد، آن را پس از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به کار منظور استراحت، تفریح، توسعه اطلاعات، آموزش غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی به کار

1 Subjective Wellbeing

2 Diener, Scolln & Lucas

3 Torkildsen

می‌برند (به نقل از فکوهی و انصاری‌مه‌بادی، ۱۳۸۲، ص. ۷۱). تنوع تعاریف به‌خاطر پیچیدگی و گستردگی این جنبه از تجربه‌های آدمی می‌باشد. هیوود مفاهیم اوقات فراغت را در چند طبقه دسته‌بندی می‌کند:

(۱) اوقات فراغت به‌عنوان بازمانده وقت: اوقات فراغت به‌عنوان اوقات غیر موظف در نظر گرفته شده؛ یعنی اوقات اختیاری که پس از اوقات کاری و انجام امور مربوط به امرار معاش باقی می‌ماند و شخص می‌تواند با آزادی نسبی به هر شغلی که دوست دارد، بپردازد.

(۲) اوقات فراغت به‌عنوان فعالیت: در این جا توجه، از شخص به سرشت فعالیت انجام شده؛ مانند ورزش، تماشای تلویزیون، سرگرمی‌ها و غیره معطوف شده است. اغلب، این فعالیت‌ها را شادی‌بخش و دلپذیر دانسته و آن‌ها را به‌عنوان تفریح می‌شناسند.

(۳) اوقات فراغت از دیدگاه عملکردی: از این دیدگاه فعالیت‌های اوقات فراغت عبارت است از انجام اعمالی مفید برای اشخاص و به‌طور خاص برای جامعه. بنابراین، از این نظر اوقات فراغت ابزاری است برای دستیابی به اهداف مطلوب و پذیرفته‌شده اجتماعی.

(۴) اوقات فراغت از دیدگاه آزادی عمل: آدمی زمانی اوقات فراغت دارد که از پای‌بندی‌هایی که دیگر لایه‌های زندگی را فراگرفته، رهایی یابد. بنابراین، اوقات فراغت با آزادی و امکانات، این‌که شخص خودش باشد و خویشتن خویش را بروز دهد، ارتباط دارد (به نقل از ربانی و شیری، ۱۳۸۸، صص. ۲۱۶-۲۱۵).

مرور ادبیات در حوزه فعالیت‌های اوقات فراغت نشان می‌دهد که تلاش‌هایی در جهت طبقه‌بندی دسته‌های مختلف فعالیت‌های اوقات فراغت انجام گرفته است؛ به‌عنوان مثال، فیتزجرالد^۱ (۱۹۹۵) برای فعالیت‌های اوقات فراغت، شش دسته معرفی کرده است: فعالیت‌های ورزشی، غیرورزشی، انجام برنامه‌های مناسب، کامپیوتر، دوستان و سرگرمی. تینسلی و الدرینگ^۲ (۱۹۹۴) سه دسته برای اوقات فراغت در نظر گرفته‌اند: فعالیت‌های آرامش‌بخش؛ به‌عنوان مثال، تماشای تلویزیون و مطالعه، فعالیت‌های ابراز وجود^۳ از جمله موسیقی و ورزش و

1 Fitzgerald

2 Tinsley & Elderge

3 Expressive

فعالیت‌های یادگیری (وو^۱، ۲۰۱۰، ص. ۴۷). از نظر ناش^۲، فعالیت‌های فراغتی در چهار سطح قرار می‌گیرند: (۱) فعالیت‌های فراغتی منفعل (۲) فعالیت‌های فراغتی هیجانی (۳) فعالیت‌های فعال (۴) فعالیت‌های خلاق و سازنده. ماکس کاپلان^۳ نیز فراغت را در شش گونه معاشرت، شرکت در انجمن‌ها، بازی، هنر، فعالیت‌های پرتحرک و فعالیت‌های بی‌تحرک (نظیر استراحت) جای می‌دهد (به نقل از فکوهی و انصارآبادی، ۱۳۸۲، ص. ۷۰).

رضایت از اوقات فراغت از نظر بریرد و راقب (۱۹۸۰) به عنوان ادراکات یا احساسات مثبتی تعریف می‌شود که افراد آن را در نتیجه درگیر شدن در فعالیت‌های اوقات فراغت به دست می‌آورند. درواقع، رضایت از اوقات فراغت میزانی است که فرد از وضعیت یا تجربیات اوقات فراغتش به‌طور کلی رضایت دارد و احساس خرسندی می‌کند (لیود، کینگ، لمپ و مک‌دوگال^۴، ۲۰۰۱، ص: ۱۱۸؛ هلند^۵، ۱۹۸۵، ص: ۲). آن‌ها بر مبنای تئوری نیازها، برای رضایت از اوقات فراغت، شش بعد در نظر گرفته‌اند که عبارت‌اند از: روانی، آموزشی (یادگیری)، آرامش‌بخش (تمدد اعصاب)، اجتماعی، فیزیولوژیکی و زیبایی (وو، ۲۰۱۰، ص. ۷۳؛ رابینسون^۶، ۲۰۰۳، ص. ۳۷؛ پیرسون^۷، ۱۹۹۸، ص. ۴۲۰).

• حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی یکی از موضوعاتی است که از دهه ۱۹۸۰ مورد توجه تحلیل‌گران شبکه قرار گرفته است. تدارک حمایت اجتماعی بین اعضای شبکه، یکی از مهم‌ترین کارکرد شبکه‌های اجتماعی است. منظور از حمایت اجتماعی، کمک یا حمایتی است که مردم به عنوان موجودیت‌ها از طریق کانال‌های ارتباطی شان با شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند (سفیری و قرانی، ۱۳۹۱، ص. ۶۱). به‌طور مکرر در ادبیات مربوط به حمایت اجتماعی، دو نوع حمایت اجتماعی مطرح شده

1 Wu

2 Nosh

3 Max Kaplan

4 Liloyd, King, Lampe & McDougall

5 Holland

6 Rabinson

7 pearson

است: (۱) حمایت اجتماعی غیررسمی که به فراهم آوردن یا مبادله منابع توسط اعضای خانواده، دوستان و همسایه‌ها اشاره دارد. (۲) حمایت اجتماعی رسمی که شامل خدمات یا حمایت‌های فراهم شده توسط دولت یا سازمان‌های دولتی می‌باشد. در این راستا، لین و انسل^۱ (۱۹۸۶) بیان کرده‌اند که حمایت اجتماعی دارای دو مؤلفه «حمایت و اجتماعی» می‌باشد. بعد اجتماعی آن به ارتباط افراد با محیط اجتماعی اشاره دارد که شامل شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی است. بعد حمایت نیز به انواع حمایت‌های ارایه شده از سوی این شبکه‌ها مربوط می‌شود (به نقل از پیتوای^۲، ۱۹۹۰، ص. ۲۸) که از نظر هاوس^۳ (۱۹۸۱) عبارت‌اند از: حمایت عاطفی، حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی و حمایت ارزیابی. فیشر^۴ نیز سه نوع حمایت اجتماعی را از یکدیگر تمیز داده است که عبارت‌اند از حمایت مشورتی، حمایت مصاحبتی و حمایت عملی (سفیری و قرانی، ۱۳۹۱، ص. ۶۱).

• مدل تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی

این مدل مطرح می‌کند که حمایت اجتماعی به دو شیوه مختلف بر روی رضایت از زندگی به‌طور عام و رضایت از اوقات فراغت به‌طور خاص تأثیر می‌گذارد. (۱) تأثیر مستقیم (یا رابطه‌ای) که تأثیر عمومی حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی (به‌طور عام و رضایت از اوقات فراغت به‌طور خاص) می‌باشد. براساس این مدل، حمایت اجتماعی صرف‌نظر از این که فرد تحت تأثیر استرس باشد یا نه، باعث می‌شود تا فرد از تجارب منفی پرهیز کند و از این رو، اثرات سودمندی بر رضایت افراد دارد. (۲) تأثیر غیرمستقیم که تأثیر میانجی هم نامیده می‌شود، این نکته را مطرح می‌کند که حمایت اجتماعی تنها برای افراد دارای استرس سودمند است. چون به‌عنوان مانعی در مقابل نفوذ استرس بر فرد عمل می‌کند (وان لیون، پست، وان اسبک، وان دروود، دی گروت و لیندمن^۵، ۲۰۱۰؛ الیوت و شوچوک، ۱۹۹۵، ص. ۴۷۲؛ حسینی و دودمان فیروزسالاری، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۸).

1 Lin & Ensel

2 Pittaway

3 House

4 Fisher

5 van Leeuwen, Post, van Asbeck, van der Woude, de Groot & Lindeman

• نظریه منابع اجتماعی

لین با طرح نظریه منابع اجتماعی این مسأله را مطرح کرده است که دست‌یابی به منابع اجتماعی و استفاده از آن‌ها می‌تواند به رضایت از زندگی افراد منجر شود. بر همین اساس، لین در سال‌های اخیر (۱۹۹۹) مفهوم سرمایه اجتماعی را برای طرح نظرات پیشین خود برگزیده و آن را به مثابه منابع نهفته در ساختار یا شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌کند. در سرمایه اجتماعی شبکه، سرمایه اجتماعی کالایی فردی است و به سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی و در-اختیارگرفتن منابع موجود در این روابط برای کسب بازده و سود اطلاق می‌شود؛ اما در سطح گروهی، به صورت یک کالا و دارایی جمعی نمود می‌یابد. سرمایه اجتماعی از نظر بورديو، کلمن، پاتنام و فوکویاما در سطح گروهی مطرح شده و شامل روابط، اعتماد، هنجارها و غیره می‌باشد؛ اما از نظر تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی تنها در سطح رابطه‌ای-فردی مطرح می‌باشد و به شبکه روابط و پیوندها اطلاق می‌شود و فرد از طریق آن‌ها به منابع و حمایت‌های موجود در شبکه دسترسی می‌یابد. این نوع سرمایه اجتماعی، بر منابع ابزاری و حمایتی متنوع و موجود در شبکه که با سرمایه‌گذاری افراد در این پیوندها به دست می‌آید، متمرکز است. لین «منابع نهفته^۱» و «موقعیت‌های شبکه‌ای^۲» را دو عنصر مفهومی مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند و نتایج سرمایه‌گذاری افراد در روابط و شبکه‌های اجتماعی را در ارتباط با دو نوع کنش ابزاری و کنش اظهاری، در دو سطح مادی و غیرمادی طبقه‌بندی می‌کنند. هدف از کنش ابزاری، دست‌یابی به منابع جدید و اضافی است (برای مثال دست‌یابی به شغل) در مقابل، هدف از کنش‌های اظهاری، حفظ و نگاهداشت منابع موجود و دفاع در برابر از دست دادن احتمالی منابع است (برای مثال حفظ امنیت محلّه). به عقیده لین، برای اهداف ابزاری پیوندهای ضعیف اهمیت بیشتری دارند و برای اهداف اظهاری پیوندهای قوی اهمیت بیشتری دارند. وی برای هر یک از کنش‌ها سه نوع بازگشت سرمایه یا بازدهی مطرح می‌کند؛ برای کنش ابزاری (در سطح مادی) بازدهی اقتصادی (ثروت)، بازدهی سیاسی (قدرت) و بازدهی

1 Embedded Resource

2 Network Location

اجتماعی (شهرت) را ذکر می‌کند و برای کنش اظهاری (در سطح غیر مادی) سلامت جسمانی، سلامت روانی و رضایت از زندگی را بیان می‌کند. به‌طور کلی، از نظر لین، داشتن پیوند با اعضای شبکه و دستیابی به منابع و حمایت‌هایی که در درون این شبکه‌ها موجود است، باعث افزایش بازدهی و پیامدهای کنش‌ها از جمله رضایت از زندگی افراد می‌شود (سفیری و قرانی، ۱۳۹۱، صص. ۶۳-۶۲).

۲.۲. چارچوب نظری

برای بررسی رابطه قوت پیوند و حمایت اجتماعی با رضایت از اوقات فراغت از مدل تأثیر مستقیم و نظریه منابع اجتماعی استفاده شده است. در مدل تأثیر مستقیم به بررسی رابطه دو متغیر حمایت اجتماعی و رضایت از اوقات فراغت بدون در نظر گرفتن میزان استرس می‌پردازد؛ علاوه بر آن، با توجه به مفروضات موجود در نظریه منابع اجتماعی، داشتن پیوندهای قوی با اعضای شبکه و نیز دستیابی به حمایت‌هایی که درون این شبکه‌ها موجود است، بر رضایت از اوقات فراغت تأثیرگذار است.



شکل ۲- مدل تحلیلی

۳.۲. فرضیه‌های تحقیق

۱. بین تعداد فرزند و رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل، رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین قوت پیوند و رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین حمایت شبکه‌های غیررسمی و رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل رابطه معناداری وجود دارد.

۵. بین انواع حمایت‌ها و رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل، رابطه معناداری وجود دارد.

۳. روش پژوهش

تحقیق حاضر با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام گرفت. جامعه آماری مطالعه، زنان متأهل شاغل (۵۵-۲۰ ساله) شهر اردبیل در سال ۱۳۹۰ بوده است. در این پژوهش، روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای مورد استفاده قرار گرفت و براساس فرمول کوکران نمونه ۳۵۶ نفری انتخاب شد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است.

• تعریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

متغیرهای مستقل: حمایت اجتماعی و قوت پیوند. منظور از حمایت اجتماعی، کمک یا حمایتی است که از جانب اعضای شبکه‌های اجتماعی برای زنان فراهم می‌شود (مصطفایی، ۱۳۸۴، ص. ۴۲) و منظور از شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های غیررسمی همسر، خویشاوند (دور و نزدیک)، دوست، همسایه و همکار می‌باشد. میزان حمایت‌های دریافت از اعضای شبکه در قالب سه نوع حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی مورد سنجش قرار گرفت. منظور از حمایت عاطفی ابراز علاقه، گوش دادن به درددل‌ها و تسلی دادن در حیطه فعالیت‌های فراغتی است. حمایت اطلاعاتی مشاوره، نصیحت، اطلاعات و آموزش درکارها و فعالیت‌های اوقات فراغت را شامل می‌شود و حمایت ابزاری به کمک مالی و خدمات (به عنوان مثال کمک در انجام فعالیت‌ها) اشاره دارد. قوت پیوند به میزان صمیمیت افراد با اعضای شبکه اشاره دارد. گویه‌های هر دو متغیر در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف چهار قسمتی اصلاً، کم، متوسط و زیاد سنجیده شده‌اند.

متغیر وابسته: رضایت از اوقات فراغت به عنوان ادراکات یا احساسات مثبتی تعریف می‌شود که افراد آن را در نتیجه درگیر شدن در فعالیت‌های اوقات فراغت به دست می‌آورند. فعالیت‌هایی که در این زمینه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، سه دسته فعالیت مطرح شده توسط تینسلی و الدرینگ (۱۹۹۴) است که عبارت‌اند از: فعالیت‌های فکری (داشتن فعالیت فکری)، فعالیت‌های آرامش‌بخش

(مطالعه، تماشای تلویزیون و ماهواره، صحبت کردن، دید و بازدید، شرکت در انجمن‌ها، مراسم و مهمانی‌ها) و فعالیت‌های ابراز وجود (انجام فعالیت ورزشی، گردش داخل شهر، انجام فعالیت هنری و گوش دادن به موسیقی) که هر کدام در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف پنج قسمتی از خیلی کم تا خیلی زیاد مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

محقق به این متغیرها که در سطح سنجش ترتیبی می‌باشند، کدهایی به‌طور قراردادی داده است. پس از کدگذاری سؤالات، اعداد (کدها) وارد سیستم می‌شوند و توسط دستور (compute) باهم جمع شدند. البته در این قسمت برای از بین بردن تأثیر تعداد گویه‌ها، آماره (mean) را فعال کرده و با این روش، متغیر جدید ساخته شد. در نهایت، متغیرها برای انجام اعمال آماری آماده بودند. متغیرهای تعداد فرزند و پایگاه اقتصادی-اجتماعی به عنوان متغیرهای زمینه‌ای در نظر گرفته شده‌اند.

۴. یافته‌های تحقیق

به طور متوسط، هر زنی دارای یک فرزند بوده و در هفته حدود ۳۹ ساعت کار می‌کند. به عبارت دیگر، به طور متوسط هر زن متأهل شاغلی حدود ۷ ساعت از زندگی روزانه خود را در محل کار سپری می‌کند و حدود ۵۳ درصد از آن‌ها جزو طبقه متوسط می‌باشند.

۴.۱. یافته‌های توصیفی

- میزان رضایت از اوقات فراغت زنان

جدول ۱- توزیع میزان رضایت از اوقات فراغت

میزان رضایت		خ کم	کم	متوسط	زیاد	خ زیاد	میانگین
رضایت از ابعاد اوقات فراغت	فعالیت‌های آرامش‌بخش	۸,۱	۲۹,۲	۴۰,۲	۱۹,۱	۳,۴	۲,۸
	فعالیت‌های ابراز وجود	۱۴,۲	۳۲,۴	۲۳,۳	۲۰,۲	۹,۹	۲,۸
فراوانی معتبر)	فعالیت‌های یادگیری	۱۴,۱	۱۶,۷	۳۸,۳	۲۱,۷	۹,۲	۲,۹۴
رضایت از اوقات فراغت (شاخص کل)		۱۲,۴	۲۷,۲	۳۵,۷	۱۹,۱	۵,۶	۲,۷

با توجه به جدول (۱)، حدود ۲۵ درصد از زنان از اوقات فراغت خود به عنوان شاخص کل، بیش‌ترین میزان رضایت و حدود ۳۹,۶ درصد کم‌ترین احساس رضایت را دارند و با توجه به میانگین (۲,۷)، میزان رضایت زنان از اوقات فراغت نزدیک به حد متوسط است. مقایسه ابعاد این متغیر براساس میانگین و توزیع درصدی نیز نشان می‌دهد که میزان رضایت افراد از این ابعاد تقریباً در یک سطح و در حد متوسط می‌باشد.

- قوت پیوند

جدول ۲- توزیع قوت پیوند پاسخ‌گویان با اعضای شبکه

تعداد	زیاد	متوسط	کم	اصلا	میزان قوت پیوند	شبکه‌های اجتماعی
۳۵۶	۸۷,۴	۱۱,۵	۱,۱	۰	همسر	
۳۵۶	۳۹,۰	۵۱,۴	۹,۶	۰	خویشاوند (دور و نزدیک)	
۳۱۲	۴۴,۰	۳۸,۸	۱۶,۹	۰,۳	دوست	
۲۲۲	۱۵,۳	۴۵,۹	۳۵,۶	۳,۲	همسایه	
۳۵۶	۲۹,۸	۴۴,۴	۲۱,۳	۴,۵	همکار	
۳۵۶	۳۶,۰	۴۷,۲	۱۶,۹	۰	قوت پیوند (شاخص کلی)	

در خصوص بیشترین و کمترین میزان قوت پیوند با اعضای شبکه، جدول (۲) نشان می‌دهد که بیشترین قوت پیوند بعد از همسر مربوط به شبکه خویشاوندی (دور و نزدیک) و دوستی و کمترین میزان به شبکه همسایگی مربوط می‌شود. در ارتباط با قوت پیوند به عنوان شاخص کل، میانگین به دست آمده (۲,۱۹) نشان می‌دهد که میزان قوت پیوند افراد با اعضای شبکه در حد متوسط است.

- میزان حمایت در حوزه اوقات فراغت

جدول ۳- توزیع میزان حمایت عاطفی دریافتی در حوزه اوقات فراغت

تعداد	زیاد	متوسط	کم	اصلا	میزان حمایت عاطفی در حوزه فراغت	شبکه‌های اجتماعی (درصد فراوان معتبر)
۳۵۶	۴۶,۳	۳۳,۷	۴,۲	۱۵,۷	همسر	
۳۵۶	۱۹,۵	۴۷,۸	۲۹,۴	۰,۳	خویشاوند (دور و نزدیک)	
۳۱۲	۱۷,۹	۲۳,۱	۱۳,۵	۴۵,۵	دوست	
۲۲۲	۵,۰	۲۱,۲	۱۲,۶	۶۱,۳	همسایه	
۳۵۶	۱۲,۴	۲۱,۶	۱۴,۳	۵۱,۷	همکار	

براساس جدول (۳)، بیش‌ترین میزان حمایت عاطفی بعد از همسر، از سوی شبکه خویشاوندی (دور و نزدیک) و کم‌ترین میزان حمایت از سوی شبکه همسایگی است. به طوری که ۱۹,۵ درصد از زنان حمایت دریافتی از شبکه خویشاوندی را در حد بالا، ۴۷,۸ درصد در حد متوسط و ۲۹,۴ درصد در حد کم دانسته‌اند و این در حالی است که ۵,۰ درصد از زنان حمایت دریافتی از شبکه همسایه را در حد بالا، ۲۱,۲ درصد در حد متوسط و ۱۲,۶ درصد در حد کم دانسته‌اند و حدود ۶۱,۳ درصد اظهار کرده‌اند که در حیطه اوقات فراغت از سوی شبکه همسایگی حمایت عاطفی دریافت نکرده‌اند. شبکه‌های دوستی و همکار به ترتیب از جهت آرایه حمایت در بین این دو شبکه قرار می‌گیرند.

- میزان حمایت ابزاری در حوزه اوقات فراغت

جدول ۴- توزیع میزان حمایت ابزاری دریافتی در حوزه اوقات فراغت

تعداد	زیاد	متوسط	کم	اصلا	میزان حمایت ابزاری در حوزه فراغت	
۳۵۶	۳۴,۳	۲۹,۵	۴,۸	۳۱,۵	همسر	شبکه‌های اجتماعی (درصد فراوانی معتبر)
۳۳۵	۱۲,۶	۴۴,۱	۳۸,۸	۴,۵	خویشاوند (دور و نزدیک)	
۳۱۲	۱۳,۱	۲۲,۸	۱۴,۴	۴۹,۷	دوست	
۲۲۲	۵,۹	۱۶,۷	۱۱,۳	۶۶,۲	همسایه	
۳۵۶	۷,۳	۱۹,۷	۱۰,۷	۶۲,۴	همکار	

جدول (۴) نشان می‌دهد که بیشترین میزان حمایت ابزاری بعد از همسر، از سوی شبکه خویشاوندی (دور و نزدیک) و کمترین میزان حمایت از سوی شبکه همسایگی می‌باشد، به طوری که ۱۲,۶ درصد از زنان حمایت دریافتی از شبکه خویشاوندی را در حد بالا، ۴۴,۱ درصد در حد متوسط و ۳۸,۸ درصد در حد کم دانسته‌اند و این در حالی است که ۵,۹ درصد از زنان، حمایت دریافتی از شبکه همسایه را در حد بالا، ۱۶,۷ درصد در حد متوسط و ۱۱,۳ درصد در حد کم دانسته‌اند و حدود ۶۶,۲ درصد اظهار کرده‌اند که در حیطه اوقات فراغت از سوی شبکه همسایگی حمایت ابزاری دریافت نکرده‌اند. شبکه‌های دوستی و همکار به ترتیب از جهت آرایه حمایت در بین این دو شبکه قرار می‌گیرند.

- میزان حمایت اطلاعاتی در حوزه اوقات فراغت

جدول ۵- توزیع میزان حمایت اطلاعاتی دریافتی در حوزه اوقات فراغت

تعداد	زیاد	متوسط	کم	اصلا	میزان حمایت اطلاعاتی در حوزه فراغت
۳۵۶	۴۱,۰	۳۱,۵	۳,۱	۲۴,۴	همسر
۳۵۶	۲۱,۹	۴۳,۰	۳۴,۳	۰,۸	خویشاوند (دوروزدیک)
۳۱۲	۲۳,۴	۲۰,۸	۱۲,۲	۴۳,۶	دوست
۲۲۲	۴,۱	۱۸,۵	۱۰,۸	۶۶,۷	همسایه
۳۵۶	۱۲,۶	۲۱,۹	۱۴,۰	۵۱,۴	همکار

جدول (۵) نشان می‌دهد که همانند حمایت عاطفی و ابزاری، بیشترین میزان حمایت اطلاعاتی بعد از همسر، از سوی شبکه خویشاوندی و کمترین میزان حمایت از سوی شبکه همسایگی است، به طوری که ۲۱,۹ درصد از زنان، حمایت دریافتی از شبکه خویشاوندی را در حد بالا، ۴۳ درصد در حد متوسط و ۳۴,۳ درصد در حد کم دانسته‌اند و این در حالی است که ۴,۱ درصد از زنان حمایت دریافتی از شبکه همسایه را در حد بالا، ۱۸,۵ درصد در حد متوسط و ۱۰,۸ درصد در حد کم دانسته‌اند و حدود ۶۶,۷ درصد اظهار کرده‌اند که در حیطه اوقات فراغت از سوی شبکه همسایگی حمایت اطلاعاتی دریافت نکرده‌اند. شبکه‌های دوستی و همکار به ترتیب از جهت آرایه حمایت در بین این دو شبکه قرار می‌گیرند.

- میزان حمایت شبکه‌های کل

جدول ۶- میزان حمایت شبکه‌های کل (درصد فراوانی معتبر)

میانگین	زیاد	متوسط	کم	اصلا	میزان حمایت
۱,۵۳	۱۷,۴	۲۶,۱	۵۶,۵	۰	حمایت عاطفی
۱,۲۹	۶,۰	۲۹,۵	۶۲,۳	۲,۲	حمایت ابزاری
۱,۴۲	۱۲,۷	۳۵,۱	۵۰,۶	۱,۶	حمایت اطلاعاتی
۱,۵۲	۱۵,۴	۳۷,۲	۴۷,۴	۰	حمایت کل

برحسب میانگین و داده‌های جدول (۶)، بیش‌ترین میزان حمایت دریافت‌شده، مربوط به حمایت عاطفی (با میانگین ۱,۵۳ و کم‌تر از حد متوسط) و کمترین میزان مربوط به حمایت ابزاری (با میانگین ۱,۲۹ و در حد کم) است. میزان حمایت شبکه اجتماعی کل نیز کم‌تر از حد متوسط می‌باشد.

۲.۴ یافته‌های تحلیلی

در این قسمت با استفاده از آزمون‌های مربوطه (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون) به بررسی رابطه بین متغیرها پرداخته شده است.

جدول ۷- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و رضایت از اوقات فراغت

متغیر وابسته	تعداد فرزند	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	قوت پیوند	حمایت اجتماعی
رضایت از اوقات فراغت	۰,۱۸۰**	۰,۰۷۷	** ۰,۴۱۶	۰,۳۶۴**
سطح معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۷۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

** correlation is significant at the 0.01 level (1-tailed)

طبق نتایج جدول (۷)، مقدار ضریب همبستگی بین متغیر تعداد فرزند و رضایت از اوقات فراغت برابر با ۰,۱۸ با سطح معناداری ۰,۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد بین این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی (۰,۰۷۷) و سطح معناداری (۰,۰۷۳) مربوط به پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت از اوقات فراغت نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر است. در خصوص رابطه قوت پیوند و حمایت اجتماعی با رضایت از اوقات فراغت، به ترتیب مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰,۴۱۶ و ۰,۳۶۴ با سطح معناداری ۰,۰۰۰ نشان‌دهنده رابطه متوسط بین این متغیرها می‌باشد.

جدول ۸- رگرسیون چندمتغیره بین انواع حمایت اجتماعی و رضایت از اوقات فراغت

Sig	β	B	
۰,۰۰۱	۰,۱۷۹	۰,۰۸۵	حمایت عاطفی
۰,۰۰۰	۰,۲۷۴	۰,۱۱۸	حمایت اطلاعاتی
۰,۰۰۰	۰,۲۴۵	۰,۱۵۰	حمایت ابزاری
	۰,۴۰۸		ضریب همبستگی چندگانه R
	۰,۱۶۶		ضریب تعیین R^2
	۰,۱۵۷		ضریب تعیین تعدیل شده
	۰,۰۰۰		سطح معناداری

با توجه به نتایج استاندارد به دست آمده در جدول (۸)، حمایت اطلاعاتی بیشترین تأثیر (۰,۲۷۴) و حمایت عاطفی کمترین تأثیر را (۰,۱۷۹) بر رضایت از اوقات فراغت داشته‌اند. ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰,۴۰۸ بیانگر رابطه مثبت و متوسط بین انواع حمایت‌ها و رضایت از اوقات فراغت می‌باشد. ضریب تعیین ۰,۱۶۶ بیانگر آن است که حدود ۱۶ درصد از واریانس رضایت از اوقات فراغت توسط انواع حمایت اجتماعی تعیین می‌شوند.

- رگرسیون چند متغیره

جدول ۹- رگرسیون چندمتغیره بین متغیرهای مستقل و رضایت از اوقات فراغت

مدل ۳			مدل ۲			مدل ۱			
Sig	β	B	Sig	β	B	Sig	β	B	
۰,۰۷۹	۰,۰۸۸	۰,۰۷۸	-	-	-	۰,۰۰۱	۰,۱۸۱	۰,۱۵۹	تعداد فرزند
۰,۰۳۰	۰,۱۰۴	۰,۰۱۲	-	-	-	۰,۱۳۲	۰,۰۷۹	۰,۰۰۹	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۳۰۲	۰,۴۱۱	۰,۰۰۰	۰,۲۹۴	۰,۴۰۰	-	-	-	حمایت اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۱۹۷	۰,۲۵۳	۰,۰۰۰	۰,۲۲۵	۰,۲۹۰	-	-	-	قوت پیوند
۰,۴۴۷				۰,۴۲۷			۰,۱۹۷		ضریب همبستگی
۰,۲۰۰				۰,۱۸۲			۰,۰۳۹		چندگانه R
									ضریب تعیین R^2
۰,۱۹۱				۰,۱۷۷			۰,۰۳۳		ضریب تعیین تعدیل شده
۰,۰۰۰				۰,۰۰۰			۰,۰۰۱		سطح معناداری

طبق جدول رگرسیون در مدل (۱) تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر متغیر رضایت از اوقات فراغت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که متغیر تعداد فرزند، رابطه معناداری با رضایت از اوقات فراغت دارد. ضریب بتای استاندارد برابر با ۰,۱۸۱ سهم این متغیر را بر رضایت از اوقات فراغت نشان می‌دهد. ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰,۱۹۷ بیانگر رابطه مثبت و ضعیف بین متغیر تعداد فرزند و رضایت از اوقات فراغت است. ضریب تعیین برابر ۰,۰۳۹ به معنای آن است که تقریباً ۴ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط تعداد فرزند زنان تعیین می‌شود. در مدل (۲) حمایت اجتماعی و قوت پیوند وارد معادله شده‌اند. ضریب همبستگی برابر با ۰,۴۲۷ بوده که بیانگر رابطه متوسط بین این متغیرها می‌باشد.

ضریب تعیین (۰,۱۸۲) بیان‌گر این است که حدود ۱۸ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط این دو متغیر تعیین می‌شود. در مدل (۳) متغیرهای زمینه‌ای و اصلی به‌طور همزمان وارد معادله شدند. در این مدل متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و قوت پیوند به ترتیب با ضریب بتای ۰,۱۰۴ و ۰,۱۹۷ و متغیر حمایت اجتماعی با ضریب بتای ۰,۳۰۲ رابطه معناداری با متغیر وابسته نشان داده‌اند. این مدل نشان می‌دهد که سهم متغیر حمایت اجتماعی بیشتر از سایر متغیرها است. ضریب همبستگی چندگانه در این مدل برابر با ۰,۴۴۷ می‌باشد که بیان‌گر رابطه مثبت و متوسط بین متغیرها است. ضریب تعیین برابر با ۰,۲۰۰ بیان‌گر این است که ۲۰ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط این متغیرها تعیین می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر میزان حمایت اجتماعی شبکه‌های غیررسمی بر میزان رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل پرداخته است. علاوه بر آن، تأثیر قوت پیوند نیز مورد بررسی قرار گرفت. از این رو، با استفاده از مدل تأثیر مستقیم و نظریه منابع اجتماعی، به بررسی این رابطه پرداخته شده است. براساس مطالعه تینسلی و الدرینگ (۱۹۹۴)، فعالیت‌های آرامش‌بخش، فکری، و ابراز وجود برای سنجش رضایت از اوقات فراغت مورد بررسی قرار گرفتند. میزان رضایت زنان از این ابعاد در یک سطح و در حد متوسط است. در زمینه شاخص رضایت از اوقات فراغت، یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان رضایت از اوقات فراغت زنان مورد پژوهش نزدیک به حد متوسط می‌باشد.

در ارتباط با قوت پیوند، زنان با همسر خود بیشترین میزان صمیمیت را دارند و این به متأهل بودن افراد مورد مطالعه اشاره دارد؛ چرا که بعد از ازدواج، نزدیک‌ترین افرادی که زنان با آنها در ارتباط صمیمی قرار می‌گیرند، همسر است. در بین شبکه‌ها، زنان بیش‌ترین میزان صمیمیت را به ترتیب با خویشاوند، دوست و همکار و کمترین میزان را با شبکه همسایگی دارند. میانگین به‌دست آمده نشان می‌دهد که میزان صمیمیت زنان متأهل شاغل با اعضای شبکه در حد متوسط است.

با توجه به ارقام به‌دست‌آمده در حیطه حمایت اجتماعی شبکه‌ها به عنوان شاخص کل، میزان حمایت پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. در ارتباط با انواع شبکه‌های غیررسمی، به ترتیب خویشاوند و دوست در هر سه نوع حمایت اجتماعی بیش‌ترین میزان را دارا بوده و شبکه همسایگی کمترین میزان حمایت را داشته‌اند. از آن‌جا که زنان مورد پژوهش شاغل می‌باشند، احتمالاً روابطشان با همسایه و به دنبال آن، میزان حمایت دریافتی از آن‌ها کم است. در ارتباط با فرضیه‌های تحقیق، نتایج نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین تعداد فرزند، قوت پیوند و حمایت اجتماعی با رضایت از اوقات فراغت زنان وجود دارد؛ به این‌گونه که با افزایش تعداد فرزندان رضایت از اوقات فراغت زنان افزایش می‌یابد. علاوه بر آن، هر چه قوت پیوند و میزان حمایت اجتماعی افزایش یابد، میزان رضایت از اوقات فراغت نیز افزایش می‌یابد و این یافته مؤید ادبیات تجربی پیشین (کنگ، ۲۰۱۰ و ۲۰۰۹؛ الیوت و شوچوک، ۱۹۹۵) و الگوی نظری می‌باشد. براساس مدل تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی بر رضایت از اوقات فراغت، یافته‌ها نشان داده‌اند که حمایت اجتماعی به‌صورت مستقیم بر رضایت از اوقات فراغت زنان تأثیرگذار بوده و براساس نظریه منابع اجتماعی، داشتن پیوند قوی با اعضای شبکه و دستیابی افراد به منابع و حمایت‌هایی که درون این شبکه‌ها وجود دارد، پیامد مثبت داشته و بر رضایت از اوقات فراغت آن‌ها به عنوان یکی از ابعاد رضایت از زندگی تأثیرگذار است در بین انواع حمایت‌ها، حمایت اطلاعاتی، بیش‌ترین و حمایت ابزاری، کم‌تری تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند. طبق نتایج به‌دست‌آمده از رگرسیون چندمتغیره، بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی، قوت پیوند و حمایت شبکه‌های غیررسمی که از مجموع انواع حمایت‌ها به‌دست آمده است با رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل، رابطه معناداری وجود دارد؛ ولی تأثیر حمایت اجتماعی در مقایسه با متغیرهای زمینه‌ای بیشتر است و این نشان می‌دهد که مبادله حمایت اجتماعی برای بهبود بهزیستی و کیفیت زندگی افراد باید در تمامی عرصه‌های زندگی مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادها

۱) رضایت از اوقات فراغت زنان متأهل شاغل از این جهت باید مورد توجه قرار گیرد که آسیب‌ها و عواقب زیانباری در نتیجه نارضایتی آن‌ها از اوقات فراغتشان، هم در ارتباط با اعضای خانواده و همچنین، در ارتباط با محیط کار آن‌ها به وجود می‌آید؛ علاوه بر این، وضعیت جسمانی و روانی آن‌ها نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنابراین، اقداماتی جهت کشف، شناخت، افزایش یا کاهش عوامل موثر بر رضایت یا نارضایتی از اوقات فراغت زنان ضروری به نظر می‌رسد تا پیامدهای منفی را کاهش داده یا از بروز آن‌ها جلوگیری شود.

۲) ضروری به نظر می‌رسد که فراهم کردن حمایت در حیطه اوقات فراغت برای زنان متأهل شاغل جهت بهبود و افزایش تأثیر سودمند آن‌ها بر اعضای خانواده و نیز افزایش کارایی آن‌ها در سازمان هم توسط مسئولان و هم از سوی خود مردم مورد توجه قرار گیرد و لازم است مردم را برای مبادله حمایت در این حوزه تشویق و ترغیب کرد.

کتاب‌نامه

۱. ابراهیمی، ق.ع. و مسلمی پطرودی، ر. (۱۳۹۰). اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان (مطالعه موردی زنان شهرستان جویبار). زن در توسعه و سیاست، ۹ (۴)، ۹۱-۷۳.
۲. تندنویس، ف. (۱۳۸۰). جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی. حرکت، ۱۲ (۱۲)، ۸۷-۱۰۴.
۳. حسینی، ا. و دودمان فیروزسالاری، س. (۱۳۸۹). نقش حمایت اجتماعی در میزان سلامت روان کارمندان جوان شهرداری تهران. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۲ (۳)، ۱۴۴-۱۱۱.
۴. حسینی، م.، رحیمی، ل.، آجرلو، ز.، مجیدی، ز. و روزبهانی، ن. (۱۳۸۵). بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت در بین زنان منطقه تحت پوشش پایگاه تحقیقات جمعیتی دکتر محمد قریب شهر اراک در سال ۱۳۸۴. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک (ره آورد دانش). ویژه‌نامه تحقیقات جمعیتی، (۹)، ۲۱۰-۱۷۵.
۵. ربانی، ر. و شبیری، ح. (۱۳۸۸). اوقات فراغت و هویت اجتماعی بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران. فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، ۲ (۸)، ۲۴۲-۲۰۹.

۶. زیارتی، ش. و طوبی، ژ. (۱۳۵۵). تأثیر شهر محل اقامت در میزان رضایت از فعالیت‌های اوقات فراغت، افراد تحصیل کرده (لیسانس و بالاتر) شاغل در چهار مرکز صنعتی اراک و تبریز. *نامه علوم اجتماعی*، ۲ (۵). ۷۰-۵۹.
۷. سفیری، خ. و قرانی دامداباجا، ل. (۱۳۹۱). حمایت شبکه‌های اجتماعی و رضایت از زندگی زنان متأهل شهر اردبیل. *فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۸ (۲۶). ۷۶-۵۱.
۸. سفیری، خ. و مدیری، ف. (۱۳۹۰). فراتحلیل مطالعات عوامل اثرگذار بر اوقات فراغت. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۱۸ (۳۸). ۱۶۶-۱۴۵.
۹. فرهودی، ر.، حبیبی، ل.، حاتمی‌نژاد، ح.، جعفری مهرآبادی، م. و سالاروندیان، ف. (۱۳۹۰). فضاهای ویژه و مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی، *فصل‌نامه مطالعات گردشگری*، ۷ (۱۵)، ۸۵-۱۰۹.
۱۰. فکوهی، ن. و انصاری‌مه‌آبادی، ف. (۱۳۸۲). اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی (نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران). *نامه انسان‌شناسی*، ۱ (۴)، ۸۹-۶۸.
۱۱. منادی، م. (۱۳۸۶). اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن: مقایسه دو نسل. *فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳ (۸)، ۱۶۵-۱۳۱.
۱۲. اندیشه، س. (۱۳۹۲). گفت‌وگو با ناصر فکوهی: تفریح و آسیب‌شناسی آن. انسان‌شناسی و فرهنگ، (۱). بازیابی در ۳۱ فروردین. [/node/17484www.anthropology.ir](http://www.anthropology.ir/node/17484).
13. Diener, E., Scollon, C. N., & Lucas, R. E. (2009). The evolving concept of subjective well-being: The multifaceted nature of happiness. In E. Diener (Ed.), *Assessing well-being: The collected works of Ed Diener* (pp.67-100). New York, NY: Springer.
14. Elliott, T. R., & Shewchuk, R. M. (1995). Social Support and Leisure Activities Following Sever Physical Disability: Testing the Mediating Effects of Depression. *Basic and Applied Social Psychology*, 16(4), 471-487.
15. Holland, S. M. (1985). *Components of leisure satisfaction: Generic, activity inherent and individual idiosyncratic factors* (Unpublished doctoral dissertation). Texas A & M University, College Station, United States.
16. Kang, K. H. (2009). Effect of perceived social support on leisure satisfaction for parents who have children with disabilities. *Journal of Adapted Physical Activity*, 17(4), 91-107.

17. Kang, K. H. (2010). Effect of Leisure Constraints and Perceived Social Support on Leisure Satisfaction among Male High School Students. *The Korean Journal of Physical Education*, 49(1) 331-339.
18. Lioyd, C., King, R., Lampe, J., & McDougall, S. (2001). The leisure satisfaction of people with psychiatric disabilities. *Psychiatric Rehabilitation Journal*, 25(2), 107-113
19. Pearson, Q. M. (1998). Job satisfaction, leisure satisfaction, and psychological health. *The Career Development Quarterly*, 46(4), 416-426.
20. Pittaway, E. D. (1990). *Leisure lifestyle and perceived social support of older adults in a rural environment* (Doctoral dissertation, Wilfrid Laurier University, Ontario, Canada). Retrieved from <http://scholars.wlu.ca/cgi/viewcontent.cgi?article=1199&context=etd>.
21. Robinson, J. A. (2003). *Perceived Freedom and Leisure Satisfaction in Mothers with Preschool-Aged Children* (Unpublished doctoral dissertation). Ohio University, United States.
22. Saint Onge, J. M. (2008). *Race/ethnic and gender differences in depression: The role of social support and leisure time physical activity*. Retrieved from <http://paa2009.princeton.edu/papers/90902>
23. van Leeuwen, C., Post, M. W., van Asbeck, F. W., van der Woude, L. H., de Groot, S., & Lindeman, E. (2010). Social support and life satisfaction in spinal cord injury during and up to one year after inpatient rehabilitation. *Journal of Rehabilitation Medicine*, 42(3), 265-271.
24. Wu, C. H. (2010). *The relationships among leisure participation, leisure satisfaction, and emotional intelligence among elementary school teachers in Northern Taiwan* (Unpublished doctoral dissertation). The University of Incarnate Word, Texas, United States.